

بررسی اعجاز تربیتی و اخلاقی قرآن کریم

محمود رحمانیان کوشکی^۱، سیده فاطمه موسوی^۲*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲

چکیده

مقدمه و هدف:

اعجاز اخلاقی یکی از ابعاد مهم اعجاز قرآن است قرآن دارای نظام اخلاقی بوده و میتواند برای تربیت افراد برنامه کامل و جامعی ارائه دهد تحول اخلاقی فردی، اجتماعی و الهی، محکم و بلند همگام با تحول اعتقادی حساس و سنجیده از ویژگیهای اعجاز اخلاقی قرآن میباشد. هدف این تحقیق تبیین زمینه ها و ساحتهای اعجاز اخلاقی قرآن و میزان تأثیرات و پی آمدهای تربیتی است.

روش شناسی پژوهش: این پژوهش تلاش دارد با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی دیدگاه قرآن نسبت به فضایل و ردایل اخلاقی را تحلیل و تبیین نماید.

یافته ها: اعجاز اخلاقی قرآن کریم یکی از ابعاد اعجاز قرآن است. و در آثار علامه مجلسی، علامه بلاغی و دیگران به چشم می خورد و سه رویکرد در اعجاز اخلاقی قرآن مطرح است رویکرد گزاره ای، رویکرد نظام واره ای و رویکرد تحول گرایانه. طبق این سه رویکرد میتوان ادعا کرد که قرآن دارای نظام اخلاقی بوده و میتواند برای تربیت افراد برنامه کامل و جامعی ارائه دهد و ویژگیهای اعجاز اخلاقی قرآن عبارت است از شمولیت تحول اخلاقی فردی، اجتماعی و الهی، محکم و بلند، همگام با تحول اعتقادی و حساس و سنجیده، طبق بررسی صورت گرفته، قرآن کریم نسبت به فضایل و ردایل اخلاقی تبیین جامعی ارائه نموده است. به اعمال آنچه که از آیه رضاع برآمد آن بود که اسلام مدافع حقوق کودک و مادرش است و پدر و مادر سرنوشت فرزند خود را فدای اختلافات و طلاق نکنند و برای کودکان خود برنامه ای دقیق و جامع بریزند که عاقبت مایه زیان برای خود و فرزندانشان نشود. توجه به دوران شیرخوارگی کودک یک اصل اساسی است که در آن باید به کودک و مادر آنها توجه شود و حقوق و هزینه هایشان تامین شود و اگر فرزندی مادر نداشت توصیه شده برایش دایه گرفته شود و خداوند در این مسئله انسان آگاهی کامل دارد و در ادامه در آیات مریم اینگونه برداشتیم که رهبران الهی مثل پیامبران باید با خرافه بت پرستی مبارزه کنند و این کار را با دعوت خویشان نزدیک آغاز میکنند و راه صداقت را در پیش میگیرند.

بحث و نتیجه گیری: اعجاز اخلاقی قرآن کریم یکی از ابعاد اعجاز قرآن است. تربیت متریبان در سه ساحت مذکور از مسائل پراهمیت و مبتلا به علوم تربیتی به شمار می آید. این جامعیت میتواند در تربیت افراد جامعه بسیار مؤثر واقع گردد. همچنین در راستای عملی سازی فضایل اخلاقی عوامل تقویت اراده و موانع عمل را برای متریبان خود بیان نموده است.

واژه های کلیدی: قرآن، اعجاز، اخلاقی، تربیتی، رضاع، صدیق

^۱ دانشجو دکترا، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون، کازرون، ایران

^۲ دکتری علوم قرآن و حدیث، استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، فارس، ایران
(Famo0912@yahoo.com) نویسنده مسئول

مقدمه

اعجاز اخلاقی قرآن یکی از شاخه‌های اعجاز علمی قرآن است که بیشتر در حوزه تفسیر میان رشته ای قرآن کریم مورد بحث قرار می‌گیرد اعجاز اخلاقی قرآن در طول تاریخ از طرف مفسران و دانشمندان دینی مورد توجه قرار گرفته است. و آثار فراوانی در این باره وجود دارد علت بیان مسائل اخلاقی اعجاز گونه در آیات قرآن این است که عرب جاهلی از جهت اخلاق در انحطاط و سقوط جدی قرار گرفته بود و ریشه این نیز در عدم تربیت صحیح افراد جامعه می‌باشد.

شهوت رانی که یکی از مشکلات جدی جوامع بشری، است، در میان اعراب عصر جاهلی بسیار رواج یافته و دامن گسترانده بود. در این میان لازم بود فردی با ویژگیهای اخلاق الهی ظهور نماید و آنها را از باتلاق رذایل اخلاقی بیرون بکشد. با ظهور اسلام و برپایی جامعه اسلامی، تلاش‌هایی برای مقابله با شهوت رانی و رفع آن صورت گرفت. از جمله راهکارهایی که در اسلام به منظور مقابله با شهوت رانی ارائه شده است، ازدواج و تشویق به ازدواج، حفظ عفت و صیانت از نفس و تقوا، نظارت بر رعایت احکام شرعی و قوانین جامعه، و تربیت اخلاقی و اجتماعی به ویژه در خانواده است. به عنوان یکی از اصول اسلام، عفت و صیانت از نفس و فرار از شهوت رانی به عنوان راهی برای پاکدامنی و پرهیز از گناهان در نظر گرفته شده است. خداوند با نزول قرآن و ارسال نبی مکرم اسلام حضرت محمد (ص) توانست آنها را از بدبختی نجات دهد و به اخلاق الهی متخلق سازد اگر در یک جامعه مریبان واقعی حضور نداشته باشند جامعه از تربیت صحیحی برخوردار نخواهد شد. قرآن کریم پیامبر اکرم (ص) را به عنوان معلم کتاب و حکمت و مربی اخلاق (آل عمران / ۱۶۴؛ جمعه / ۲) معرفی مینماید. همانطوری که در مسائل تربیتی مطرح است تربیت سه تا رکن اساسی دارد؛ مربی، متربی و محتوای تربیت آن زمان متربیها موجود بود ولی مربی و محتوای تربیت نبود که فرایند تربیت را شروع کند با آمدن اسلام و وجود مبارک رسول اکرم (ص) یک کار تربیتی جهانی آغاز گردید (یحیی اف، ۱۳۹۹).

قرآن کریم به عنوان کتاب مقدس و راهنمای انسان‌ها در زندگی، حاوی اصول و قوانین اخلاقی و تربیتی است که به عنوان یکی از عجایب آن شناخته می‌شود. قرآن کریم با ارائه اصول اخلاقی و تربیتی، می‌تواند به عنوان یک مدرسه روانی و اخلاقی برای انسان‌ها عمل کند و آنها را به سمت پیشرفت و بهبود اخلاقی و تربیتی هدایت کند. به عنوان مثال، قرآن کریم به مفهوم تربیت انسان در مسیر شهود و تفکر اشاره کرده و همچنین در آیات متعددی به اهمیت یادگیری و دانش اشاره شده است. علم و دانش در قرآن به عنوان یکی از اساسی‌ترین اصول تربیتی و اخلاقی مطرح شده است. قرآن کریم همچنین به اهمیت تربیت فرزندان و خانواده اشاره دارد. قرآن بر این اصل تأکید دارد که تربیت و پرورش فرزندان به عنوان یکی از مهمترین مسؤلیت‌های والدین، باید با اخلاق و تقوا صورت گیرد و آنها را به سمت

ارزش‌های اخلاقی و تربیتی هدایت‌کننده قرآن کریم همچنین به اهمیت احترام به دیگران و شایستگی در برخورد با آنها اشاره دارد. در آیات متعددی از قرآن به این موضوع اشاره شده است که احترام به دیگران، احترام به خود و به خداوند است و هر گونه رفتار ناسزا و ناشایست در برخورد با دیگران، با اخلاق قرآنی سازگار نیست. لذا مسئله اصلی این پژوهش اعجاز تربیتی و اخلاقی قرآن و واکاوی آن است. از این رو پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که زمینه‌ها و ساحت‌های اعجاز اخلاقی قرآن کدام اند و تأثیرات و پی‌آمدهای تربیتی آن چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نوع تحقیقات بنیادی نظری و روش اجرای آن به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیلی و توصیفی است. و هدف این تحقیق تبیین زمینه‌ها و ساحت‌های اعجاز اخلاقی قرآن و میزان تأثیرات و پی‌آمدهای تربیتی آن است. این پژوهش تلاش دارد با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی دیدگاه قرآن نسبت به فضایل و ردایب اخلاقی را تحلیل و تبیین نماید.

یافته‌ها

الف) واژه اعجاز

در لغت واژه اعجاز در لغت مشتق از ثلاثی مجرد (ع-ج-ز) است که به معنای درماندگی ناتوانی و انتهای هر چیز آمده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، فراهیدی، ج ۱۴۰۹، ج ۴، ۱، ص ۲۱۵؛ قرشی ج ۲۹۳).

برخی نیز معنای اصلی «عجز» را تأخر میدانند؛ چون افراد ناتوان معمولاً متأخر از دیگران می‌باشند. به همین دلیل این واژه مترادف کلمه «ضعف» نیز استعمال می‌گردد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۴۷) تحلیل تربیتی اعجاز اخلاقی قرآن کریمو خارق در اصطلاح کلمه «اعجاز در اصطلاح به این معنا است کاری شگفت‌عادت است که انبیاء منتخب الهی برای به اثبات رساندن ادعای پیامبری خود از طرف خداوند، انجام دهند. انسانهای عادی از انجام چنین کارها عاجز هستند. (خویی، ص ۳۵؛ بلاغی، ۱۴۲۰، ص ۳).

تحلیل تربیتی اعجاز اخلاقی قرآن کریم و پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) را به عنوان نبی برگزیده خداوند تلقی نمود، آن وقت اخلاق و رفتار آنها تحول یافت بر همین اساس است که طبق گفته مفسران آیات سور مکی بر اصول دین تکیه دارد و برای تحکیم اعتقادات مردم نازل گشته است. (ر.ک: علامه (۵) آیات ۹۰ تا ۹۲ سوره نحل به این مسئله دلالت دارد. (طباطبایی ۱۴۱۷).

خداوند با نزول نخستین آیات اعتقادی فلسفه اخلاق را نیز می‌آموزد و یاد می‌دهد که چرا باید از رذایل اخلاقی دوری گزید و متعلق بر فضایل اخلاقی گردید.

قرآن ارایه دهنده نظام، تربیتی اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و... است که هر کدام دارای مبانی اهداف روشها و آموزه‌های خاص خود است که در عصر کنونی می‌توان آنها را با نظامهای دست ساخته بشری مقایسه کرد و از جهات متعدد برتری و کارآمدی نظام‌های قرآنی را نمایان ساخت.

مثلاً نظام تربیتی قرآن جامع‌نگرتر و کارآمدتر و با فطرت انسان هماهنگ‌تر است چرا که همه ابعاد وجودی انسان جسمی، روحی، معنوی و... را مد نظر دارد و انسان را به کمال مطلق سوق میدهد و این یکی از جلوه‌های اعجاز علمی قرآن است. گرچه رویکردهای سه گانه فوق در اعجاز علمی قرآن در عصر حاضر طرح شده است، اما رویکرد اول بیشتر در حوزه علوم طبیعی قابل اثبات و ارائه است و به خاطر دشواری‌های علوم انسانی که در صدر بحث گذشت اثبات آن در حوزه علوم انسانی مشکل است، هر چند که در این مورد کتب متعددی در اعجاز اقتصادی و تربیتی قرآن نگاشته شده است ولی در ادامه روشن خواهد شد که بسیاری از این ادعاها قابل نقد است. رویکرد دوم و سوم نیز بیشتر در حوزه علوم انسانی قابل طرح و اثبات است که نمونه‌هایی از آن در ادامه خواهد آمد.

اعجاز تربیتی قرآن

در مورد اعجاز تربیتی کتابهایی نگارش یافته است که مواردی از اعجاز تربیتی قرآن را ادعا کرده اند از جمله الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم دکتر مصطفی، رجب چاپ ۲۰۰۶ م، انتشارات جدارا للکتاب العالمی وعالم الکتب الحدیث در اردن در این کتاب نخست مفهوم تربیت قرآنی توضیح داده شده است و سپس به جایگاه قرآن و تفسیر موضوعی و محتوای تربیتی قصص قرآن از جمله قصه نوح، بنی اسرائیل اصحاب اخدود قوم سبا داود و (سلیمان پرداخته شده است این کتاب در ادامه دو نمونه از آیات (بقره/۲۳۳ و مریم ۴۵-۴۱) که اعجاز تربیتی دارد را بر شمرده است. - کتاب من وجوه الاعجاز محمد فرید که در بیروت منتشر شده است. مولف در چند مورد ادعای اعجاز تربیتی نموده است از جمله درباره آیات مربوط به ازدواج زنان رسیدگی به ایتمام نیکی به پدر و مادر و تغییرات تربیتی اجتماعی که در اثر حضور قرآن پدید آمده است.

کتاب الاعجاز النفسی و التربوی فی القرآن الکریم والسنة المطهره توسط دکتر عبد الرحمن العیسوی نگارش یافته و در سال ۱۴۲۸م در بیروت منتشر شده است ولی این کتاب عملاً به موضوع اعجاز تربیتی نپرداخته است.

همان طور که در بحث قبل گذشت اعجاز علمی در علوم انسانی از جمله مباحث تربیتی با سه رویکرد میتواند مطرح شود. اینک برخی از موارد فوق مورد بررسی قرار میگیرد:

اول: اعجاز تربیتی قرآن در تنظیم قوانین حقوق کودک

(وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلِينَ كَامِلِينَ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِنْ شَاءَ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ)؛ (بقره ۲۳۳)، و مادران فرزندان شان را دو سال کامل شیر میدهند این) برای کسی است که بخواهد [دوران شیر دادن را به اتمام رساند و بر آن کس که نوزاد برایش متولد شده لازم است خوراک آن مادران و پوشاک آنان به طور پسندیده در دوران شیر دادن فراهم آورد هیچ کس جز به اندازه‌ی توانایی اش، تکلیف نمی شود هیچ مادری به واسطه‌ی فرزندش ضرر ببیند و به او زیان نرساند؛ و نه کسی که فرزند برایش متولد شده به واسطه‌ی فرزندش ضرر ببیند و به او زیان رساند و بر وارث مانند این احکام واجب است و اگر آن دو، با رضایت و مشورت یک دیگر بخواهند کودک را زودتر از شیر باز گیرند، پس هیچ گناهی بر آن دو نیست و اگر خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، پس هیچ گناهی بر شما نیست؛ هنگامی که آنچه را وعده داده‌اید به طور پسندیده بپردازید و خودتان را از عذاب خدا ننگه دارید و بدانید که خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست».

نکته‌ها و اشاره‌ها

- ۱- در آیه فوق دستورات مختلفی درباره شیر دادن نوزادان آمده و به حقوق گوناگونی که مادر و فرزند و پدر در این زمینه دارند اشاره شده است که میتوان آنها را در هفت بخش بیان کرد:
 - (الف) از آنجا که تغذیه جسم و جان نوزاد در این مدت با شیر و عواطف مادر پیوندی ناگسستنی دارد به خاطر رعایت عواطف مادری و حق کودک حق ننگه داری و سرپرستی کودک به مادر واگذار شده است با این که سرپرستی کودکان بر عهده پدر است.
 - (ب) دوران شیرخوارگی رضاعاً کامل دو سال و دوره غیر کامل آن ۲۱ ماه است و این مطلب که در روایات آمده است از ضمیمه کردن آیه فوق و آیه ۱۵ سوره احقاف استفاده میشود. قرأ در سوره احقاف میفرماید: «بارداری و از شیر گرفتن کودک ۳۰ ماه است.» و در سوره بقره میفرماید مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر میدهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند پس معلوم میشود که لازم نیست مدت شیر دادن حتماً دو سال باشد و مادران حق دارند با توجه به وضع نوزاد و رعایت سلامت او این مدت را تقلیل دهند و حتی در مورد لزوم از ۲۱ ماه نیز کمتر کنند.
 - (ج) هزینه زندگی مادر از نظر غذا و لباس در دوران شیر دادن بر عهده پدر نوزاد است تا مادر بتواند با خاطری آسوده فرزندش را شیر دهد و چنانچه زن طلاق گرفته باشد نیز، همین حکم جاری است.
 - (د) هیچ یک از پدر و مادر نباید با اختلافات خویش سرنوشت کودک خود را قربانی کنند و بدین وسیله ضربه‌های جبران ناپذیری به روح و روان خود و نوزاد وارد سازند. پدر حق مادر را در نگهداری کودک پایمال نکند و مادر نیز از این حق سوء استفاده نکند و با بهانه جویی از شیر دادن خودداری نکند و یا مرد را از دیدار فرزندش محروم نسازد و به او ضربه‌ی روانی و اقتصادی نزند

ذ) بعد از مرگ پدر وارثان او باید عهده دار این وظیفه شوند و احتیاجات مادر را در دورانی که به کودک شیر میدهد تأمین کنند.

از زمان شیر گرفتن کودک به تصمیم پدر و مادر بستگی دارد. این زمان با توجه به وضع جسمی کودک و با هم فکری و توافق پدر و مادر تعیین می شود. و هرگز نمیتوان از حق شیر دادن و سرپرستی مادر جلوگیری کرد مگر این که خودش امتناع ورزد و یا مانعی برای او پیش آید که در این صورت میتوان نگهداری و شیر دادن کودک را به دایه ی مناسبی واگذار کرد و یا قسمتی از شیر دادن را به عهده ی او گذاشت تا کمکی برای مادر باشد.

۲- استفاده نکردن از واژه (اب) پدر و به کاربردن تعبیر مولود له کسی که فرزند برای او تولد یافته گویی برای تحریک عواطف پدر را در راه انجام وظیفه است که اگر هزینه مادر طفل به عهده پدر گذاشته شده است، به خاطر فرزند او و میوه دل اوست، نه یک فرد بیگانه؛

تعبیر «معروف» در آیه ی فوق نشان میدهد که لباس و غذای مادر باید در حدود متعارف و شایسته ی حال او تأمین شود یعنی نه سخت گیری شود و نه اسراف گردد. تکرار واژه معروف در این آیه به وجه نیکویی عنصر عرف و زمان را در شاخصهای مراعات حقوق خانوادگی وارد میکند؛

۳- تکلیف انسانها . بر اساس قدرت و به اندازه ی توانایی آنهاست و نباید از نظر اقتصادی به پدر کودک فشار وارد شود. این یک اصل اساسی در احکام اسلامی است.

هیچ قانونی در اسلام وجود ندارد که فرد را وادار به انجام کاری بیش از توان او بنماید؛ ۵. باید حقوق مادر و دایه در برابر شیر دادن پرداخت شود و این یکی از زیباترین جلوه های رعایت حقوق زن در اسلام است؛

تحلیل تربیتی اعجاز اخلاقی قرآن کریم

عنه سیاته و يعظم له اجرا؛ (طلاق/۲-۵) هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم، کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی میدهد. و هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند کار را بر او آسان میسازد!... و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند گناهایش را میبخشد و پاداش او را بزرگ میدارد. قرآن کریم همچنین در آورد.

سوره آل عمران آیه ۱۵۹ حسن خلق را از مهمترین فضیلت اخلاقی به شمار می آید.

۴- آثار دنیوی ردایل اخلاقی قرآن نکته مقابل حسن خلق را در ادامه همان آیه خشن و سنگدل بودن معرفی مینماید در آیات دیگر رذیله تکبر و عاقبت سوء آن را برای اینکه افراد مرتکب آن عمل زشت نشود بازگو میکند «كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارًا»؛ (غافر) (۳۵) این گونه خداوند بر دل هر متکبر جباری مهر می نهد. «طبق این آیه پیامد شوم دنیوی تکبر این است که انسان درک حقایق را از دست می دهد و به تعبیر قرآن بر قلب و عقل متکبر مهر بطلان و ناکارآمدی زده می شود». (ر.ک: فیروزمهر، ۳۷۲) در آیه دیگر فرمود گفت: از این مقام فرو شو. تو را چه رسد که در آن گردنکشی کنی؟

بیرون رو که تو از خوارشدگانی اعراف (۱۳). خدا در این آیه سرانجام تکبر را برای ما روشن و تبیین فرموده است. حتی خداوند اهل تکبر را محروم از محبت خود معرفی می نماید تا اینکه ناپسندی تکبر را آشکار نماید: «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ»؛ (نحل ۲۳) و او متکبران را دوست ندارد.

الف) عواقب اخروی فضایل و رذایل اخلاقی

مهمتر از آثار و پیامدهای فضایل و رذایل اخلاقی، دنیوی آثار و پیامدهای اخروی آن‌ها است؛ چون این دنیا محدود و موقت بوده به طور کامل نمی شود به نتایج اعمال دست یافت ولی جهان آخرت جاویدان و نامحدود می باشد که نتایج اعمال در کاملتر و پایدارتر خواهد بود. حال اعجاز تربیتی قرآن را از حوزه علوم انسانی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

دکتر مصطفی رجب کتاب الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم را تالیف نمود و در این کتاب نخست مفهوم تربیتی قرآن را از آن به جایگاه قرآن و تفسیر موضوعی و محتوای تربیتی قصص القرآن پرداخته و بعد از آن دو نمونه از داده توضیحی پس آیات که اعجاز تربیتی دارند را برشمارد و مراد و تکلیف ما نیز در این مقاله بررسی این دو آیه می‌باشد:

الف) آیه ۲۳۳ بقره معروف به آیه رضاع

ب آیات ۴۱-۴۵ سوره مریم

و این نظریه اعجاز تربیتی قرآن مورد توجه برخی نویسندگان معاصر دیگر شده است مثل محمد فرید در کتاب من وجوه الاعجاز که به موارد دیگر آن اشاره کرده است هر چند برخی از مصادیق اعجاز تربیتی که این افراد ذکر کرده اند قابل تامل و مناقشه است اما در مجموع سخن نو و ارزشمندی در وجوه اعجاز قرآن می باشد.

اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی از جمله در مبحث اعجاز تربیتی با سه رویکرد میتوان مطرح کرد:

۱- اخبار غیبی تربیتی در آیات بدین معنا که قرآن گزاره‌هایی علمی در حوزه علوم انسانی بیان کرده و پیام‌ها و آموزه‌هایی دارد که به نوعی اخبار غیبی اند و با پیشرفت علوم در عصر جدید در حوزه علوم انسانی مطرح و به عنوان نظریه‌های درست و کارآمد مشهور شده اند. در این مورد ادعاهای متعددی در حوزه علوم تربیتی مثل نکات تربیتی آیه رضاع و دیگر حوزه‌های علوم انسانی مطرح شده است.

۲- استنباط نظام تربیتی از قرآن جامع نگرتر کارآمدتر و با فطرت انسان هماهنگتر است؛ زیرا همه ابعاد وجودی انسانجسمی، روحی، معنوی و... را مد نظر دارد و انسان را به سوی کمال مطلق سوق می‌دهد.

۳- نقش قرآن در تحول تربیتی میان مسلمانان قرآن کریم در محیطی نازل شد که انسان دچار جاهلیت علمی و فرهنگی و عقب ماندگی اقتصادی، تربیتی اجتماعی بود و قرآن چنان انقلابی به پا کرد که موارد فوق را مورد تغییر و تحول قرار داد. این جهش تاریخی بشریت ان عصر که عمدتاً در حوزه علوم انسانی صورت گرفت، نوعی اعجاز علمی قرآن در بستر تاریخی است؛ یعنی تاثیر علمی قرآن در تحول

تربیتی با تغییر قوانین و مبانی، تربیتی موجب رشد جهشی در این حوزه شد. و اینک برخی از موارد فوق را در آیاتی که ذکر کردیم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اول) حق والدین بر فرزند با تامل بر آیه رضاع

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بَوْلُهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره ۲۳۳/۳) و مادران بایستی دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند، البته آن کسی که خواهد فرزند را شیر تمام دهد؛ و به عهده صاحب فرزند است یعنی پدر که خوراک و لباس مادر را به حد متعارف بدهد، هیچ کس را تکلیف جز به اندازه طاقت نکنند نه مادر باید در نگرهبانی فرزند به زحمت و زیان افتد و نه پدر بیش از حد متعارف برای کودک متضرر شود و اگر کودک را پدر نبود وارث باید در نگهداری او به حد متعارف قیام کند. و اگر پدر و مادر به رضایت و مصلحت دید یکدیگر بخواهند فرزند را از شیر بگیرند هر دو را رواست و اگر خواهید که برای فرزندان دایه بگیرید آن هم روا باشد در صورتی که دایه را حقوقی به متعارف بدهید و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به کردار شما بیناست.

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ (بقره ۲۳۳/۳). مفسران در این موضوع اختلاف نظر دارند که آیا مراد از والدات «تنها مادرانی هستند که طلاق داده شده اند، یا مادرانی هستند که شوهر دارند و یا هر دو؟ بیشتر مفسران برآنند که لفظ والدات هر دو معنا را دربر می گیرد چراکه به ظاهر عمل کردهاند و دلیلی بر تخصیص وجود ندارد و ما نیز همین نظریه را برمی گزینیم زیرا، اولاً، اکثریت، آن را گفته اند و ثانیاً، شیر دادن به مادر اسناد داده میشود خواه این مادر شوهردار باشد و خواه مطلقه.

هر چند لفظ «يُرْضِعْنَ» خبر، است، ولی به معنای امر است؛ یعنی باید شیر دهند و این امر برای استحباب میباشد، زیرا خداوند آیه ششم سوره طلاق می فرماید: «وَأِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فِصَالًا لَهُ الْآخِرَى» (طلاق) (۶) اگر با سختی مواجه شدید، زن دیگری، کودک را شیر دهد. معنای استحباب در اینجا آن است که مادران در شیر دادن فرزندان از زنهاى دیگر سزاوارترند (مغنيه. ۱/۶۲۰: ۱۳۷۸)

منظور از والدات مادرانند و اگر "نفرمود امهات و به جای آن" فرمود والدات برای این بود که کلمه "ام" اعم از کلمه "والده" است هم چنان که کلمه "أب" اعم از کلمه والد است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/۳۵۹) و کلمه "ابن" اعم از "ولد" است و حکم در آیه شریفه تنها در مورد والده و ولد و مولود له (والد) تشریح شده و اما اینکه چرا بجای "والد" کلمه (مولود له) آن کس که فرزند برای او متولد شده را به کار برده؟ برای این بوده که به حکمت حکمی را که تشریح کرده اشاره نموده باشد، بنابراین هر چند ولایت اطفال صغیر به عهده پدر گذاشته شده است اما حق شیر دادن در دو سال شیر خواری به مادر داده

شده و او است که میتواند در این مدت از فرزند خود نگاهداری کند و به اصطلاح حق حضانت در این مدت از آن مادر است. و این یک حق دو جانبه است که هم برای رعایت حال فرزند است و هم رعایت عواطف مادر و از سخنان بسیار عجیب و غریب سخنی است که بعضی از مفسرین در پاسخ به سؤال بالا گفته اند و آن این است که گفته است: از این جهت فرمود: "مولود له و نفرمود: والد که زنان هر چه میزایند برای مردان میزایند برای اینکه، اولاد مال پدران است و به همین جهت است که هر کسی از پدر خود نسبت میبرد نه از، مادر و مامون پسر رشید در این باره شعری گفته است که می بینید: "و انما امهات الناس أوعیة مستودعات و للآباء ابناء" (مکارم شیرازی، (۱۳۷۱) ۱/۲۱۱) فرزندان مال پدران هستند و این بود آن گفتار، عجیب و گویا گوینده آن از صدر آیه و نیز از ذیلش غفلت کرده که اولاد را به مادران نسبت داده و در صدر فرموده اولادهن و در ذیل فرموده بولدها که حکم این صدر و ذیل فرزند همانطور که فرزند پدر است فرزند مادر نیز هست و اما شعر، مامون باید توجه داشت که مامون و امثال او چه کسی هستند تا شعرشان چه باشد اینها بی ارزش تر از آنند که کسی بخواهد کلام خدای تعالی را با گفتار آنان تفسیر کند و یا احتمالی را تایید نماید و نیز باید دانست که مساله ادبیات و قوانین اجتماعی و امور تکوینی بر بسیاری از علمای ادب خلط شده و در نتیجه در بسیاری از مواقع برای روشن ساختن یک حکم اجتماعی و یا یک حقیقت تکوینی به یک معنای لغوی استشهد میکنند و حق مطلب در مساله فرزند این است که نظام تکوین فرزند را ملحق به پدر و مادر و هر دو میکند، برای اینکه هستی فرزند مستند به هر دوی آنها است، و اما اعتبار اجتماعی البته در این باره مختلف است بعضی از امتهای فرزند را ملحق به مادر میدانند (مکارم شیرازی، (۱۳۷۱ ۲/۳۶۰)، و بعضی به پدر و، آیه شریفه نظریه دوم را معتبر شمرده و با تعبیر از پدر به مولود له به این اعتبار اشاره کرده، و در بالا بیان اینکه چرا این نظریه را معتبر شمرده، گذشت.

کلمه ارضاع که مصدر فعل "یرضعن است مصدر باب افعال و از ماده رضاعه و رضع گرفته شده است، که به معنای مکیدن پستان به منظور نوشیدن شیر از آن است و کلمه "حول" به معنای سال است و اگر سال را حول (گردش) نامیده اند به خاطر این است که سال میگذرد و اگر حول را به وصف کمال مقید کرد برای این بود که سال اجزای بسیاری دارد دوازده "ماه" و "سیصد و پنجاه و پنج روز است و چه بسا میشود که به مسامحه یازده ماه و یا سیصد و پنجاه روز را هم یک سال مینامند مثال میگویند در فلان شهر یک سال ماندم، در حالی که چند روز کمتر بوده. و جمله لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ (بقره / ۲۳۳) . آنچه بیان شد مدت شیر دادن است برای کسی که قصد دارد مدت شیر دادن واجب را تمام نماید و از آنجا که شیر دادن را مشروط بخواست و اراده مادر و پدر کرده است معلوم میشود بر مادر واجب نیست که کودک خود را شیر بدهد چنان که در جای دیگر میفرماید اگر در سختی قرار گرفتید از دیگری بخواهید که او را شیر دهد». قتاده و ربیع میگویند خداوند نخست بر مادران شیر دادن در دو سال را واجب نمود سپس با جمله «لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» (بقره / ۲۳۳) اجازه کمتر را داده است یعنی حد اکثر شیر دادن دو سال است و کمترش دیگر حدی ندارد بلکه بسته بوضع و مصلحت کودک است که چه اندازه لازم

داشته باشد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۳۲). حضانت کودکی را در دامن پروریدن و شیر دادن حق مادر طلاق داده شده و موکول به اختیار او است، اگر خواست میتواند کودکش را شیر دهد و در دامن بپرورد و اگر نخواست میتواند از این کار امتناع بورزد و همچنین رساندن مدت دو سال را به آخر حق اوست اگر خواست میتواند دو سال کامل شیر دهد و اگر نخواست میتواند مقداری از دو سال را شیر داده از تکمیل آن خودداری کند و اما شوهر چنین اختیاری ندارد که از ابتدا اگر خواست بچه را از همسر مطلقه اش بگیرد و اگر نخواست نگیرد البته در صورتی که همسرش موافق بود میتواند یکی از دو طرف را اختیار کند، هم چنان که جمله " فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا ... " این معنا را می‌رساند.

وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ، لَا تَكْلِفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره/ ۲۳۳) منظور از کلمه " مولود له " همانطور که گفتیم پدر طفل است و منظور از رزق و کسوة خرجی و لباس است و خدای عز و جل این خرجی و نفقه را مقید به معروف کرد، یعنی متعارف از حال چنین شوهر و چنین همسر و آنگاه مطلب را چنین تعلیل کرد که خدا هیچ کسی را به بیش از طاقتش تکلیف نمیکند و آن گاه دو حکم دیگر هم بر این حکم ضمیمه کرد.

اول اینکه حق حضانت و شیر دادن و نظیر آن مال همسر است پس شوهر نمیتواند به زور میان مادر و طفل جدایی بیندازد، و یا از اینکه مادر فرزند خود را ببیند و یا مثلاً، ببوسد و یا در آغوش بگیرد جلوگیری کند برای اینکه این عمل مصداق روشن مضاره و حرج بر زن، است که در آیه شریفه، از آن نهی شده است.

اینکه زن نیز نمیتواند در مورد بچه شوهر به شوهر مضاره و حرج وارد آورد مثلاً نگذارد پدر فرزند خود را ببیند، و از این قبیل ناراحتیها فراهم کند چون در آیه شریفه می‌فرماید: «لَا تَضَارَّ وَالِدَهُ بَوْلَهَا وَ لَا مَوْلُودَ لَهُ بَوْلِهِ» (بقره/ ۲۳۳)، نه زن به وسیله فرزندش به ضرر و حرج افتد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/۳۶۱)، و نه پدر یعنی هیچ یک از این دو حق ندارند سرنوشت کودک را مال المصلحه اختلاف خویش قرار دهند و بر جسم و روح نوزاد، ضربه وارد کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱/۲۱۲) و اگر در این جمله میفرمود و لا مولود له به، و مرجع ضمیر (به) را که همان ولده باشد نمی‌آورد، تناقضی به چشم می‌خورد چون در چنین فرضی ضمیر " به " به " کلمه " ولدها بر میگردد چون در سابق ذکری از کلمه " ولد " به میان نیامده بود، در نتیجه این توهم پیش می‌آید که در آیه شریفه تناقض هست از یک طرف میفرماید: " شوهر، کسی است که فرزند برای او متولد میشود و از طرفی دیگر میفرماید فرزند برای مادر متولد میشود پس در جمله مورد بحث، هم حکم تشریح مراعات، شده و هم حکم تکوین یعنی هم فرموده از نظر تکوین فرزند هم مال پدر و هم مال مادر است و از طرفی دیگر فرموده از نظر تشریح و قانون فرزند تنها از آن پدر است. سؤال: جمله «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ» (بقره/ ۲۳۳) نشان میدهد که مراد از والدات»، مادرانی باشند که شوهر دارند و نیز مادرانی که طلاق رجعی داده شده اند و هنوز در عصمت زوجیت باقی هستند نه مادرانی که طلاق داده شده و عده آنان سپری شده است، چراکه اینان تنها حق گرفتن مزد شیر

دادن را دارند نه حق گرفتن نفقه را بنابراین باید آنها را از تحت عموم خارج کرد؟ چراکه در این صورت لفظ والدات در آن واحد، هم عام است و هم خاص: عام نسبت به شیر دادن و خاص نسبت به نفقه؟ پاسخ هیچ مانعی ندارد که یک لفظ از جهتی عام باشد و از جهت دیگر خاص، البته مشروط به آن که دلیل برای این امر وجود داشته باشد و در مورد بحث دلیل وجود دارد چراکه [احادیث و اجماع مسلم دلالت دارند بر این که زن طلاق داده شده ای که عده اش به پایان رسیده نفقه ندارد و تنها مزد شیر دادن را دریافت میکند ، بنابراین باید از دلیل پیروی کرد اما نسبت به شیر دادن، چنان که اشاره شد دلیلی بر تخصیص وجود ندارد از این رو باید به عموم لفظ عمل کرد. (مغنیه، ۱۳۷۸: ۱/۶۲۱).

وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ» این جمله عطف است بر جمله رَزُقْهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ» و جمله میان معطوف و معطوف علیه [لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِنْهَا وَ سَعَهَا] ، معترضه و تفسیر کننده کلمه «بالمعروف» است. و معنای جمله این است که آنچه بر پدر از خوراک و پوشاک مناسب، بر پدر واجب است پس از مرگش بر وارثان اونیض واجب است. (طبرسی ، ۱۴۱۵: ۱/۳۰۱) از ظاهر آیه بر می آید آنچه که به حکم شرع به گردن پدر است مانند خرجی و لباس در صورتی که پدر فوت شود به گردن وارث او خواهد بود لیکن مفسرین آیه را به معنای دیگری تفسیر کرده اند که با ظاهر آیه نمیسازد و از آنجا که اصل مسأله مربوط به فقه است متعرض آن معنای نشدیم اگر کسی بخواهد به آنها آگاه شود باید به کتب فقهی مراجعه نماید، و آنچه ما در معنای آیه گفتیم موافق با مذهب ائمه اهل بیت ع است چون از اخباری که از ایشان رسیده همین معنا استفاده میشود، و همچنین موافق با ظاهر آیه شریفه نیز هست.

فَإِنْ أَرَادَ فَصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ كَلِمَةٌ "فصال" به معنای از شیر جدا کردن کودک است، و کلمه "تشاور" به معنای اجتماع کردن در مجلس مشاوره است و این جمله به خاطر حرف "فاء" که در آغاز دارد تفریع بر حقی است که قبلاً برای زوجه تشریح شده و به وسیله آن حرج از بین برداشته شد، حضانت و شیر دادن زن واجب و غیر قابل تغییر بر نیست بلکه حقی است که میتواند از آن استفاده کند و میتواند ترکش کند.

پس ممکن است نتیجه مشورتشان این باشد که هر دو راضی شده باشند بچه را از شیر بگیرند بدون اینکه یکی از دو طرف ناراضی و یا مجبور باشد و همچنین ممکن است نتیجه این باشد که پدر فرزند خود را به زنی دیگر بسپارد تا شیرش دهد، و همسر خودش راضی به شیر دادن نشود و یا فرضاً شیرش خراب باشد، و یا اصلاً شیر نداشته باشد، و یا جهاتی دیگر، البته همه اینها در صورتی است که مرد به خوبی و خوشی آنچه را که زن استحقاق دارد به او بدهد و در همه موارد منافاتی با حق زن نداشته باشد.

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ (بقره / ۲۳۳) به نقل از طبرسی اشکالی بر شما نخواهد بود وقتی که به مادر اجرة المثل مقداری که شیر داده بپردازید مجاهد و سدی یا وقتی که دایه گرفتن با رضایت و اتفاق طرفین صورت گیرد ابی شهاب و ابن عباس نیز همین را گفته است. از عطا نقل شده یعنی در صورتی که مادر با رضایت پدر کودک را به دایه بدهد زیرا پدر ثروتمند است و قدرت دایه گرفتن

دارد. ثوری: گوید وقتی اجرت و مزد زن شیر دهنده را دادید. ابن جریج میگوید: وقتی اجرت مادر و دایه را دادید و معنای آیتیم دادید ضامن شدن است یعنی وقتی که ضامن و ملتزم به پرداخت شدید. پس از آن امر به تقوی میکند و میفرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ فِي تَجَاوُزِ أَحْكَامِ اللَّهِ عَنِ عَذَابِ اللَّهِ بِتَرْسِيدِ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۵).

وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ در این جمله، امر به تقوا کند و اینکه این تقوا به اصلاح صورت این اعمال باشد چون احکام نامبرده همه اموری بود مربوط به صورت ظاهر، و لذا دنباله جمله فرمود و بدانید که خدا بدانچه می کنید دانا است ... به خلاف ذیل آیه قبلی یعنی آیه وَ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلِّغْنَ أَجْلَهُنَّ ... ، که در ذیل آن فرمود: از خدا پروا کنید، و بدانید که خدا به هر چیزی دانا است برای اینکه آیه نامبرده مشتمل بود بر جمله: وَ لَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضِرَاراً لِيَعْتَدُوا ، و معلوم است که ضرار و دشمنی سبب میشود که از ظاهر اعمال تجاوز نموده به نیت نیز سرایت کند، و در نتیجه پاره ای از دشمنی‌هایی که در صورت عمل ظاهر نیست انجام دهد دشمنی‌هایی که بعدها اثرش معلوم گردد. (طباطبایی محمدحسین، ۱۳۷۴).

بررسی نقادانه به نظریه اعجاز تربیتی دکتر مصطفی رجب

به نظری رسد مطالب دکتر مصطفی رجب در مورد آیات ۴۱-۴۵ سوره مریم (س) از وجوه اعجاز تربیتی قرآن نیستند بلکه مطالب و نکات شگفت‌انگیزی هستند که در آیات فوق مطرح شده اند؛ زیرا: یکم این روش‌ها ایجاد انگیزه بصیرت تشویق و تهدید ظاهراً از روش‌های ابتکاری قرآن نیستند بلکه شیوه‌های عقلانی در همواره انسانها قبل و بعد ابراهیم(ع) از آنها استفاده می کرده و میکنند و پس دیگران از آوردن مثل آن عاجز نبوده تربیت‌اند.

دوم نکات تربیتی آیات فوق متضمن اخبار غیبی نیستند همان طور که ارائه کننده یک نظام تربیتی یا نظام دعوت و تبلیغ خاص هم نیستند و تحول تربیتی ای را در تاریخ اثبات نمیکنند تا اعجاز علمی قرآن به شمار آیند.

بحث و نتیجه گیری

به اعمال آنچه که از آیه رضاع برآمد آن بود که اسلام مدافع حقوق کودک و مادرش است و پدر و مادر سرنوشت فرزند خود را فدای اختلافات و طلاق نکنند و برای کودکان خود برنامه ای دقیق و جامع بریزند که عاقبت مایه زبان برای خود و فرزندانشان نشود. توجه به دوران شیرخوارگی کودک یک اصل اساسی است که در آن باید به کودک و مادر آنها توجه شود و حقوق و هزینه‌هایشان تامین شود و اگر فرزندی مادر نداشت توصیه شده برایش دایه گرفته شود و خداوند در این مسئله انسان آگاهی کامل دارد و در ادامه در آیات مریم اینگونه برداشتیم که رهبران الهی مثل پیامبران باید با خرافه بت پرستی مبارزه کنند و این کار را با دعوت خویشان نزدیک آغاز میکنند و راه صداقت را در پیش میگیرند و دیگران را از معبودین دروغین که ناشنوا و نابینا هستند و حتی نمیتوانند از خود دفاع کنند چه برسد به آنان آگاه میسازند

و هر کسی که از دانشمندان الهی پیروی کند هدایت درست را پیدا می‌کند و بت پرستی جز خشم و عذاب الهی ثمر دیگری ندارد.

و بر اساس پژوهشی که انجام گرفت اعجاز اخلاقی قرآن کریم یکی از ابعاد اعجاز قرآن است. و در آثار علامه مجلسی، علامه بلاغی و دیگران به چشم می‌خورد. سه رویکرد در اعجاز اخلاقی قرآن مطرح است. رویکرد گزاره‌ای رویکرد نظام‌واره‌ای و رویکرد تحول‌گرایانه. طبق این سه رویکرد میتوان ادعا کرد که قرآن دارای نظام اخلاقی بوده و میتواند برای تربیت افراد برنامه کامل و جامعی ارائه دهد ویژگیهای اعجاز اخلاقی قرآن عبارت شد از شمولیت تحول اخلاقی فردی، اجتماعی و الهی، محکم و بلند، همگام با تحول اعتقادی و حساس و سنجیده طبق بررسی صورت گرفته، قرآن کریم نسبت به فضایل و ردائیل اخلاقی تبیین جامعی ارائه نموده است. همچنین در طرح مسائل اخلاقی در سه ساحت بینشی گرایشی و کنشی دارای جامعیت منحصر به فرد می‌باشد. تربیت متریبان در سه ساحت مذکور از مسائل پراهمیت و مبتلا به علوم تربیتی به شمار می‌آید. این جامعیت میتواند در تربیت افراد جامعه بسیار مؤثر واقع گردد. همچنین در راستای عملی سازی فضایل اخلاقی عوامل تقویت اراده و موانع عمل را برای متریبان خود بیان نموده است. چنین بیان جامع و تحول آفرین اخلاقی در جامعه، قبل از قرآن صورت نگرفته است.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در مطالعه حاضر فرم‌های مصاحبه آگاهانه توسط تمامی آزمودنی‌ها تکمیل شد.

حامی مالی

هزینه‌های مطالعه حاضر توسط نویسندگان مقاله تامین شد.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

منابع

الف- فارسی

قرآن کریم.

- ابن بابویه محمد بن علی کمال الدین. (۱۳۹۵). و تمام النعمة، انتشارات اسلامیه، تهران، چاپ دوم.
ابن فارس احمد ابن، فارس. (۱۴۰۴). مقاییس اللغة. چاپ اول انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت انتشارات دار الفکر للطباعة والنشر و التوزیع، چاپ سوم.
بلاغی، محمد جواد. (۱۴۲۰). تفسیر آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن انتشارات بنیاد بعثت قم، چاپ اول.
تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، انتشارات دار الکتب الاسلامی، قم.

- تهرانی، مجتبی. (۱۳۹۱). *اخلاق الهی*. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جدار الکتاب العالمی. رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۹۲)، علوم قرآن ۲ اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی، محل انتشار: قم، ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- جوادی آملی عبدالله. (۱۳۹۰). *تفسیر تسنیم انتشارات، اسراء*، قم، چاپ اول. حسینی دهشهری افضل، السادات نگرشی به تربیت اخلاقی نوجوان از دیدگاه، اسلام پایان نامه ارشد رشته تعلیم و تربیت جامعه المصطفی (ص).
- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، محل انتشار بیروت، ناشر: دار الکتاب العربی
- سمین، احمد بن یوسف. (۱۴۱۴). *الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون*، محل انتشار بیروت، ناشر: دار الکتاب العلمیه.
- طباطبایی محمدحسین. (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان جامعه مدرسین حوزه علمیه قم*، محل انتشار: قم، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *ترجمه تفسیر مجمع البیان*، محل انتشار تهران، ناشر بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵)، *ترجمه تفسیر جوامع الجامع*، محل انتشار: مشهد، ناشر: آستان قدس رضوی.
- قمی، شیخ عیاسو. (۱۳۴۴). *سفینه البحار*، محل انتشار: قم، ناشر: دارالاسوه
- کاشانی، فتح الله بن شکر الله. (۱۴۱۳). *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، محل انتشار: تهران، ناشر: کتابفروشی اسلامیة.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۳۷۸). *ترجمه تفسیر کاشف*، محل انتشار قم، ناشر: بوستان کتاب قم. ۱۲. مکارم شیرازی، مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، محل انتشار: تهران، ناشر: دار الکتاب اسلامی
- یحیی اف، نجات. (۱۳۹۹). *مطالعات قرآن و علوم*، (۴)، ش ۷، ۱۵۹-۱۸۳.

Analyzing the educational and moral miracles of the Holy Qur'an

Mahmoud Rahmanian Koushakki¹Seyyedeh Fateme Mousavi^{2*}

Abstract

Introduction: Moral miracle is one of the important aspects of the miracle of the Holy Quran. The Quran has a moral system and can provide a complete and comprehensive plan for the education of people. Individual, social and divine moral development, strong and long, in sync with the sensitive and measured belief development, are among the characteristics of the moral miracles of the Quran. The purpose of this research is to explain the contexts and areas of the moral miracles of the Quran and the extent of educational effects and consequences of the Quran. .

Research methodology: The moral miracle of the Holy Quran is one of the dimensions of the miracle of the Quran. And it appears in the works of Allameh Majlisi, Allameh Balaghi and others, and there are three approaches to the moral miracle of the Qur'an: the propositional approach, the systematic approach, and the evolutionary approach. According to these three approaches, it can be claimed that the Qur'an has a moral system and can provide a complete and comprehensive plan for the education of people, and the characteristics of the moral miracle of the Qur'an are the inclusion of individual, social and divine moral evolution, strong and high, in sync with the evolution of belief and sensitive and measured. What emerged from the verse of Reza' was that Islam is the defender of the rights of the child and his mother, and that parents should not sacrifice their children's destiny to differences and divorce, and should make a detailed and comprehensive plan for their children so that the end result is not a loss for themselves and their children. Paying attention to a child's infancy is a basic principle in which the child and their mother should be paid attention to and their rights and expenses should be provided.

Conclusion: The moral miracle of the Holy Quran is one of the dimensions of the miracle of the Quran. The training of teachers in the three mentioned fields is considered one of the most important issues related to educational sciences. This comprehensiveness can be very effective in educating the members of society.

Key words: Holy Qur'an, Miracle, Moral, Educational, Devout

¹Ph..D.student, Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Kazerun branch, Kazerun, Iran.

² *Assistant professor, Quran and Hadith Science, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran(Famo0912@yahoo.com)